

مطابق با پیمایش‌ها و پژوهش‌های معتبر انجام‌شده درباره‌ی وضعیت دینداری در ایران از ابتدای انقلاب تا به امروز، این نتیجه مشخص می‌شود که در بعد مسائل اصلی دین، مانند اعتقاد به خدا، پیامبر و معصومین (ع)، معاد و آخرت و نظایر این، شاهد ثبات در دینداری بوده و حدود ۹۸ درصد مردم ایران به این اصول دینی اعتقاد دارند. بیش از ۸۰ درصد مردم ایران نیز اهل نماز (دائم یا گاهی) و روزه گرفتن هستند.

چرا در این جاسوسخانه را نمی‌بندید؟!

کیهان: این شعارها، تکرار آرزوهای برباد رفته و ناکام‌مانده‌ای است که بارها به صراحت از سوی دشمنان ملت عراق بر زبان و قلم آنان نشسته و راهی به میدان عمل نیافته بود. در این شعارها دقت کنید! مقابله با دوستی و پیوند دو ملت ایران و عراق. شعار علیه حشدالشعبی! و از همه بااهمیت‌تر که می‌توان آن را هدف اصلی دشمنان نفوذکرده در ناآرامی‌های اخیر دانست، اعلام مخالفت با راهپیمایی چند ده میلیونی اربعین حسینی (ع) بوده است! راهپیمایی عظیم و بی‌نظیری که با حضور شیفتگان اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام از سراسر جهان صورت می‌پذیرد و حتی آوازه آن نیز به کابوس دردناکی برای جهان استکبار و ائتلاف کینه‌توز «غربی، عبری و عربی» تبدیل شده است.

اگرچه اسناد فراوانی که تاکنون به دست آمده است به وضوح از حضور مشترک عوامل آمریکایی، اسرائیلی، وهابیون سعودی و بعثی‌های گوش خوابانیده در پشت صحنه ناآرامی‌های عراق و تلاش آنان برای تبدیل خواسته‌های مشروع مردم به خواسته‌های بارها اعلام شده دشمنان ملت عراق حکایت می‌کند ولی بدون نیاز به اسناد و شواهد یاد شده و فقط با مروری گذرا بر شعارهایی که از سوی گروهی -هرچند اندک و کم‌شمار- در تظاهرات مورد اشاره مطرح شده است نیز به آسانی می‌توان فهمید که چه جریاناتی و با چه انگیزه‌هایی در پی سوءاستفاده از این تظاهرات عادی و کشاندن آن به سایر شهرهای عراق بوده‌اند؟

سؤال این است که آیا غیر از آمریکا و اروپا و اسرائیل و آل‌سعود و تکفیری‌های داعش، هیچ دولت، یا حزب و جریان سیاسی دیگری را می‌توان یافت که از ائتلاف ایران، عراق و سوریه وحشت داشته باشد؟! و یا از حضور فرزندان غیور و مومن عراق در حشدالشعبی و ایثار و جانبازی آنان در قلع و قمع تروریست‌های وحشی داعش ناخشنود باشد؟! و یا مگر حضور حماسی و چند ده میلیونی و بی‌نظیر شیعیان سراسر جهان در راهپیمایی اربعین حسینی (ع) برای آنان به کابوسی دردناک تبدیل نشده است؟!

اکنون باید از جوانان مومن و انقلابی عراق که در سال‌های اخیر با از خودگذشتگی و ایثار ده‌ها حماسه بزرگ و مثال‌زدنی آفریده‌اند پرسید؛ چرا به حضور سفارت آمریکا در بغداد یعنی همان جاسوسخانه و کانون توطئه علیه ملت مظلوم عراق خاتمه نمی‌دهید؟! و این دُم‌ل چرکین را از سرزمین مقدس خود حذف نمی‌کنید و بیرون نمی‌اندازید؟! تسخیر

جاسوسخانه آمریکا و حذف این کانون توطئه برای ما در ایران اسلامی دستاوردهای فراوانی داشته است. چرا باید جوانان انقلابی عراق میهن مقدس خود را از این دستاوردها محروم کنند؟!

«مقاومت» آبروی ما و شما شد

جوان: «سام کیلی» گزارشگر سی ان ان در تازه‌ترین گزارش خود می‌نویسد: «حمله به ایران جنگ پیچیده‌ای به راه خواهد انداخت که آمریکا و همپیمانانش نمی‌توانند به سادگی در آن پیروز شوند و احتمالاً به سادگی در آن شکست خواهند خورد. ایران مطالعاتی در زمینه حملات هوایی علیه عراق و همچنین یوگسلاوی، کوزوو و لیبی داشته است و بنابراین سپاه پاسداران و نیروهای قدس، آنچه را که از اهمیت بسیار بالایی برای ایران برخوردار است، در کوه‌ها پنهان و تله‌گذاری خواهند کرد. احتمالاً هرگونه حمله به ایران از نمایش قدرت غرب به یکباره به آتش تمام عیار و مخرب تبدیل می‌شود. آتش جنگ در ایران می‌تواند اسرائیل را نیز درگیر کند.»

برخی می‌گویند «ترامپ زن باره است و جنگ، کار زن باره‌ها نیست و تاریخ هر کشوری نشان داده است که شاهانی که گرفتار حرمسراها بوده‌اند، خود را گرفتار جنگ نمی‌کردند و گرنه آمریکا با جنگ طلبانی مثل بولتون اگر رئیس‌جمهور دیگری می‌داشت، اکنون ایران را زیر بمباران بمب‌افکن‌ها نابود کرده بود!» نیمی از این ادعا درست است، اما نیم دیگر که مدعی است با وجود افراد جنگ‌طلب در آمریکا شانس آورده‌ایم که ترامپ اهل جنگ نیست، مثال نقض دارد؛ اوباما و بوش پسر علی‌الظاهر ویژگی‌های ترامپ را نداشتند و در کنار خود جنگ‌طلبانی هم داشتند، اما به نظر می‌رسد درک کرده بودند که جنگ با ایران، مثل جنگ با افغانستان و بمباران سوریه نیست و پیچیده‌تر از آن می‌شود. پیچیدگی جنگ با ایران در «نگاه فرامرزی» ایران به مسئله حفاظت از منافع ملی است. احتمالاً چیزی که هر بار آمریکا را وامی‌دارد تا گزینه حمله به ایران را از روی میز بردارد، همین بیم از گسترده‌گی مکانی و زمانی و غیرقابل کنترل بودن جنگ با ایران است.

اکنون در شرایطی قرار داریم که حتی رئیس‌جمهور ایران که در گذشته اینگونه نبود و واضع نظریه «برجام، سایه جنگ را برداشت» بود، باکی ندارد که غیرهمسو با برخی افراد در داخل، واقعیت‌هایی از دلایل اقتدار ایران را برشمارد و به جای برجام و مذاکره فقط از دو گزینه «مقاومت ملت» و «عمل به موقع و بی‌واهمه نیروهای مسلح» نام ببرد: «هر چه داریم از مقاومت ملت ایران است؛ اگر این همه کشورهای اروپایی، یکی بعد از دیگری برای ملاقات با نماینده ملت ایران می‌آیند و ما در آن هفتاد و چند ساعت هر چه که وقت داریم در اختیار می‌گذاریم و باز هم پنج، شش ملاقات باقی می‌ماند و ما وقت نمی‌کنیم، به‌خاطر ملت ایران و مقاومت ملت ایران است. اگر ملت ایران مقاومت نمی‌کرد، کسی سراغ‌مان نمی‌آمد، کسی اصرار نمی‌کرد. کسی نمی‌آمد بگوید که راه‌حلی پیدا کنیم. اگر اقتدار ملی نیروهای مسلح‌مان برای دفاع از کشور نبود و پهباد آن‌ها به فضای کشورمان تجاوز می‌کرد و تنها نگاه و سکوت می‌کردیم، این جایگاه را امروز نداشتیم. همه فهمیدند ملت ایران از پا در نمی‌آید. همه اروپایی‌ها هر کدام به یک بیان به من گفتند که امروز قدرت شما از یک‌سال پیش بیشتر است.»

اگر در دو سال اخیر پس از خروج آمریکا از برجام، سرگردان در میان بیم‌ها و امیدها و عاطفه‌ها و احساسات، می‌ماندیم و مقاومت نمی‌کردیم، امروز «مارتین ایندایک» سفیر سابق آمریکا در اسرائیل نمی‌نوشت: «اتحاد ضدایران نه در تزلزل که در حال فروپاشی است. جان بولتون رفت. نتانیاهو در حال رفتن است. امیر امارات با ایران توافق کرد. محمد بن سلمان هم به زودی توافق خواهد کرد. ترامپ هم به دنبال توافق با ایران است.» مقاومت، امروز آبرومندانه‌ترین واژه‌ای است که حتی

بی‌اعتقادان به آن را مقابل ملت روسفید نگه داشته است. اصلاحات بر اساس سیره رهبر انقلاب دولت باید با مدیران بی‌لیاقت اشرافی که بویی از سیره امام علی (ع) نبرده‌اند، برخورد کرده و آنها را عزل کند.

اصلاحات بر اساس سیره رهبر انقلاب

فارس: انقلاب اسلامی به رهبری زعیم عالیقدر حضرت امام خمینی (ره) آمد تا فرهنگ غدیر و سبک وسیره امام علی (ع) را در کشور و جهان حاکم کند. سیره علی (ع)، سیره امامت و هدایت مردم به سوی الله بود، سیره مبارزه با اشرافی‌گری، فساد، فخر فروشی، سیره حمایت از مستضعفین و محرومیت، روحیه مردمی و خدمت‌گذاری بود. مردم متدین و انقلابی ایران با پیروی از فقیه‌ای عادل و متقی بزرگترین انقلاب مردمی و مکتبی را رقم زدند و به پای این نهال خون دادند و مقاومت کرده و می‌کنند.

در صدر اسلام، خط امامت را محدود کردند و خط اشرافیگری و سلطنت را جایگزین کردند. مورخان در روش حکومتی معاویه می‌نویسند: «معاویه اولین زمامداری است که نگهبان و پاسبان و دربان گماشت، پرده آویخت، منشیان نصرانی استخدام کرد و با گارد نظامی حرکت کرد. خود بر تخت می‌نشست و مردم را زیردست خویش و فروتر می‌نشانید و مردم را به بیگاری می‌گرفت.» معاویه خود را اولین پادشاه نامید، سفیر روم پس از حادثه عاشورا یزید را شاه عرب نامید. پس از بنی امیه، این رویه در خلفای عباسی نیز تکرار شد. امامت که همراه با عصمت، عدالت، ساده زیستی و تقوا بود به خلافت و پس از آن به سلطنت موروثنی و اشرافیت جاهلی تبدیل شد.

امام خمینی (ره) فرمود: «در حکومت اسلامی بر خلاف رژیم سلطنتی و شاهنشاهی و امپراتوری اثری از کاخ‌های بزرگ، عمارت‌کدایی، خدم و حشم، دفتر مخصوص و دیگر لوازم سلطنت که نصف یا بسیاری از بودجه مملکت را از بین می‌برد نیست. زندگی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را که رئیس دولت بود را همه می‌دانید، بعد از آن حضرت نیز تا قبل از دوره بنی امیه این سیره و روش باقی بود. (صحیفه نور - ج ۵ - صفحه ۱۴۹)

به فضل الهی امروز ولی فقیه رهبری عظیم‌الشان انقلاب اسلامی در استمرار راه ولایت و امامت با تقوی، عدالت، ساده زیستی، بصیرت جهان اسلام را هدایت و رهبری می‌کند، هر روز شاهد گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و افول نظام استکبار جهانی هستیم، الحمدلله. اما متأسفانه این سیره روش رهبری در بین مسئولین کمتر دیده می‌شود. امروز نظام اسلامی از اشرافی‌گری، بی‌عدالتی، فساد و رانت‌خواری رنج می‌برد.

هر چند رئیس محترم جدید قوه قضائیه با عزم جدی مبارزه با فساد را در هر سطح و جایگاهی شروع کرده و نوید امید و اعتماد به جامعه می‌دهد که امیدوارم در کارشان موفق و محکم باشند؛ اما ریشه فساد در مراکز اجرایی است که با سیره مدیریتی اشرافی‌گری یا دستورالعمل‌های غلط فساد را ایجاد می‌کنند. باید حکومت به سمت شفافیت حرکت کند، باید وضعیت اقتصادی همه مردم به ویژه مسئولین روشن باشد، منشا ثروت و درآمد معلوم باشد، دولت با نظام دقیق مالیاتی جلوی اشرافی‌گری و تکاثر را بگیرد.

دولت باید با مدیران بی‌لیاقت اشرافی که بویی از سیره امام علی (ع) نبرده‌اند برخورد کرده و آنها را عزل کند. باید هم و غم دولت رسیدگی به محرومین به ویژه در حوزه معیشت، مسکن و شغل باشد. امروز وضع مردم محروم نگران‌کننده است. چرا مسئولین فکری نمی‌کنند؟ مردم انتظار دارند نتیجه تصمیم‌ها و اقدامات مسئولین دولتی در زندگی روزمره آن‌ها نمود داشته باشد. اگر ارزش ۱۸ هزار تومان به ده هزار تومان می‌رسد، قیمت کالاها هم به همین نسبت کاهش یابد.

حرف‌های عجیب مشاور رئیس دولت اصلاحات

مشرق: «محمدرضا تاجیک»، مشاور رئیس دولت اصلاحات و از تئوریسین‌های جریان: ما باید به خودمان یک مجال تاریخی بدهیم. انسان ایرانی توالی آغازها است، انسان ایرانی سزایینی به دنیا آمده، حوصله تحولات تاریخی را ندارد. بارها گفتم که انسان غربی سه سده قبل از رنسانس، دو رنسانس را تجربه می‌کند. یک رنسانس او آلمانی و یکی هم رنسانس قرن دوازدهم است. ما از این سه سده حرف نمی‌زنیم، در کتاب‌های درسی مان هم کسی حرف نمی‌زند. سه سده انسان غربی آهسته و پیوسته رویکرد مذهبی‌اش را عوض می‌کند، آهسته و پیوسته روابط اجتماعی‌اش تغییر پیدا می‌کند، آهسته و پیوسته به صورت مناسبات فرهنگی و عادت‌واره‌های فرهنگی‌اش متفاوت و آدم دیگری ساخته می‌شود و عالم دیگر را می‌سازد. در آن سه سده گواه تاریخ است که در میزان ۱۰ میلیونی آن زمان ۷۰۰ هزار نفر توسط تفتیش عقاید کلیسا و قرون وسطای کلیسا به آتش کشیده و به فجیع‌ترین وضع کشته می‌شوند. هزینه آنچنانی می‌دهد و این تغییر سه سده‌ای را آهسته و پیوسته انجام می‌شود، اما انسان ایرانی گاهی تند و گاهی خسته است، یعنی هیچگاه ادامه نیست، آغاز و توالی آغاز است. ادامه‌دهندگان نحیف و ضعیفی هستیم و بالاخره هیچ کدام امتداد همدیگر نیستیم.» تاجیک در این گفت‌وگو همچنین ایرانیان را کوتوله و دارای فرهنگ "شبان‌کاری" توصیف می‌کند که هویت خود را در تمجید از رهبران خود می‌جویند

*در کلام مشاور خاتمی، مردم ایران بایستی بواسطه فرهنگ عمیق، ادب‌دوستی و نگاه عقلانی_تمدنی خود مؤاخذه شوند که چرا دادگاه‌های تفتیش عقاید نداشته‌اند، چرا آدم‌سوزی نکرده‌اند و چرا جنایاتی مثل عصر رنسانس در ایران اسلامی دیده نمی‌شود؟! ماجرای جالب‌تر نیز اینست که حتی خود اندیشمندان غربی نیز حاضر به تمجید از ادوار مختلف رنسانس نیستند و آن دوران را یک دوران تباهی و تاریکی و فساد در تمدن اروپا می‌دانند اما شاهدیم که آقای تاجیک این عصر تاریک را یک مقدمه لازم برای تغییر غرب عنوان می‌کند.

توصیفات تاجیک از ایران نیز در ادامه نگاه تحقیرآمیز و ابلهانه لیبرال‌های چپ به ایران و ایرانی است. نگاهی که تقدیس و زانو زدن خود در مقابل مجسمه آزادی آمریکا را عین تمدن و روشنفکری می‌داند اما قادر به تحمل تقدیس رهبران و اسطوره‌گان ایران در نگاه مردم نیست. به مردم حق جانبداری از یک تفکر را نمی‌دهد و در هر کجای تاریخ با حرکتی مردمی مواجه می‌شود آنرا مصداق پوپولیسم و نفهمیدن عنوان می‌کند.

